

در پاسخ به انتقادهای که به نوشته کوتاه من، به نام (چرخشی دوباره) به صورت کتبی و شفاهی شده است، نوشته زیر را جهت شفافیت بخشیدن به مسایلی که کوتاه مطرح شده بود ارائه میدهم.

شرایط و وضعیت کنونی در ایران دارای دو وجه مشخص میباشد. وجه اول: حاکمیت در دست بورژوازی است، دولت این حاکمیت، دولتی به غایت دیکتاتور، ضد کارگر و ارتجاعی است. فضای جامعه مملو است از خشونت، زندان، اعدام، شکنجه و تبعید صدها کارگر و انقلابی، بی احترامی و پایمال کردن حداقل حقوق شهروندی، نادیده گرفتن خواسته‌های ملیونی ملت‌ها، زنان و اقشار مختلف جامعه، پایمال نمودن و عدم رسیدگی به حقوق کودکان، کنترل ماهواره، اینترنت، فکس و تلفن مردم. علاوه بر این‌ها وجود مناسبات اقتصادی ناشناخته و نامتعارفی که بر مردم تحمیل شده است.

وجه دوم: وضعیت طبقه کارگر است. مناسبات اقتصادی موجود در ایران، ۱۴ میلیون نفر را به زیر خط فقر رانده، غیر فعال بودن نیمی از جمعیت کشور نرخ بیکاری را به ۴۰٪ رسانده است. (آمار رسمی در ایران ۲۴٪ است که اکثر کارشناسان اقتصادی آن را باور ندارند). در چنین شرایطی کارگر باید تلاش کند تا زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین نماید. از طرف دیگر مجبور است که برای رسیدن به حداقل خواسته‌هایش (مانند پرداخت حقوق‌های معوقه) مبارزه کند. چنین فشارهای، مانند اهرم‌های مضاعفی زندگی کارگران را به خطر ناپودی کشانده است. چنین وضعیتی، در سی سال گذشته با تفاوت‌هایی، همواره موجود بوده و میباشد. اما علیرغم همه این‌ها، پیکار طبقه کارگر نیز همواره به راه خود ادامه داده است.

در واقع هرچه حاکمیت تلاش کرده است که کارگران را سرکوب کند و به قولی سر جایشان بنشانند، جنبش کارگری رشد بیشتری کرده و در تداوم چنین مبارزه‌ای، هر لحظه ماهیت رژیم را در سطح داخلی و خارجی به همه جهانیان شناسانده است. بنا به شرایطی که در این نوشته نمی‌گنجد طبقه کارگر توانسته در سی سال گذشته و در مقاطعی یورش گسترده‌ای را تدارک ببیند و حاکمیت و دولت‌ش را کاملاً به هراس و وحشت بیندازد. به طور کلی جنبش کارگری ایران تاکنون قدمهای مؤثری را در راستای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری بر داشته است. نه من و نه هیچ کسی دیگری منکر این حقایق نیستیم. این‌ها دست آوردهای ارزشمندی هستند که طبقه کارگر توانسته به آن دست یابد.

اما امروز طبقه کارگر ایران با وجود چنین دست آوردهای، با وجود تجربه کافی، با وجود بالا بودن درجه آگاهی به مسایل و مشکلات طبقاتی و شیوه‌های مبارزاتی متأسفانه هنوز در سر در گمی بسر میبرد. در راستای شعار ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، دستیابی به حقوق و خواسته و مطالبات روزانه، طبقه کارگر با پیشنهادهای فراوانی روبرو است.

درست بر منبای این واقعیت‌ها است که طبقه کارگر باید از به هدر دادن نیرویش جلوگیری کند، خسارتهای ناشی از وضعیت موجود را به گونه‌ای جبران نماید. شعار ایجاد تشکلهای مستقل را به هر ترتیبی بوده است حفظ کند. در مبارزه برای بدست آوردن خواسته‌های صنفی کارگران مرتب بجنگد. سوال اینست که آیا طبقه کارگر در شرایط کنونی از عهده‌ی همه این‌ها بر خواهد آمد؟ در پاسخ به این سوال است که چرخشی دوباره ضرورت پیدا می‌کند. این چرخش چیزی جز کار مخفی و تشکیل هسته‌های مخفی در درون کارخانه نیست؟ صحبت از چرخشی دوباره در راستایی تقویت، حفظ نیرو، بردن آگاهی بیشتر به درون طبقه و گام برداشتن در راستای وحدت کل طبقه است.

در این چرخش چپ سنتی و خارج از کشور نیز باید سهمیم شود. اولین گامی که چپ باید بر دارد ارتباط مستقیم با طبقه کارگر در داخل است. کنار گذاشتن پیشنهادهای غیر عملی و ایده‌آلستی است. مارکسیست‌های انقلابی در چنین وضعیتی حاضر نیستند بدون داشتن تحلیل کامل از وضعیت موجود و عدم ارتباط مستقیم با طبقه کارگر ایده‌های خود را به عنوان تنها راه حل، به پیشنهاد بگذارند. بدون تماس با فعالین جنبش کارگری، و داشتن تحلیل مشخص از اوضاع اقتصادی-سیاسی-اجتماعی ایران، هر گونه پیشنهاد و رهنمود فقط یک ایده است و نه بیشتر از آن.

رهنمودهای مارکس به جنبش کارگری در زمان کمون پاریس متکی بود به تماس دائم با پاریس (با آن امکانات بسیار کم). وقتی که آثار مربوط به آن دوران را مطالعه می‌کنیم چنین احساسی دست می‌دهد که انگار مارکس در پاریس بوده است. درست به همین خاطر بود که تمام حکومت‌های بورژوازی مدعی بودند که خیزش‌های مردمی در فرانسه را بین‌الملل اول طراحی نموده است. در صورتیکه مارکس و انگلس رسماً و بارها این گونه دخالت را تکذیب کردند.

همانطور که در نوشته قبلی و در این نوشته اشاره خواهم کردم، من احساس می‌کنم اینست که طبقه کارگر در سر در گمی بسر میبرد. علت این سر در گمی هم بسیار طبیعی است. چنین حالتی را نباید به حساب ضعف طبقه کارگر گذاشت. سر در گمی در مقابل پیشنهادها و فراوانی است که کارگران با آن روبرو هستند. منطق این پرسش‌ها رشد طبقه کارگر است، نه ضعف و ناتوانی آن. این پرسش‌ها در شرایطی مطرح میشوند که کمترین فضای باز تا کارگر در آن بتواند حقوق خود را مطالبه کند وجود ندارد. به اندازه‌ای آزادی وجود ندارد تا بخش‌های مختلف کارگری بتوانند وسیعاً به حمایت از همدیگر بپردازند. خفقان عمومی، در بند بودن تعداد زیادی از فعالین کارگری و فشارهای اقتصادی بر زندگی روزمره کارگران، عواملی هستند که به طور طبیعی پراکندگی و سر در گمی در طبقه کارگر ایجاد خواهند نمود.

از طرف دیگر شایعات و تبلیغات و حمایت سرمایه‌داری جهانی از جریانی موسوم به "سبز" به عنوان جریانی که میتواند آلت‌رناتیو عادلانه جمهوری اسلامی باشد. این در حالی است که طبقه کارگر هیچگاه از چنین جریان به طور مستقل و به عنوان کل طبقه حمایت نکرده است. جریان سبز چیزی نیست بجز توطئه‌ی بخشی از سرمایه‌داری داخلی که میخواهد جنبش مردمی علیه رژیم را به نام خود کنترل و به نفع جمهوری اسلامی پایان دهد. این را کارگران در بخش فعالین با تجربه کارگری درک کرده‌اند، اما و متأسفانه این جریان باعث سردرگمی بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران نسل جوان و توهم آنها به این جریان شده است.

اینجاست که باید فعالین و پیشروان کارگری با متانت و برد باری همه‌ی پیشنهادها را بررسی نموده و جواب دهند. احساس (که ممکن است با واقعیت‌های موجود در داخل کشور فرسنگ‌ها فاصله داشته باشد) به من چنین دیکته می‌کند که پیشنهادها موجود، با وجود درستی آنان برای شرایط ویژه و موقعیت مناسب طرح شده‌اند و با شرایط امروز ایران کاربردی ندارند. این پیشنهادها جوابگوی خواسته‌ی اصلی کارگران (پیش به سوی ایجاد تشکلهای مستقل) نیستند. برای نمونه بحثی که امروز در مورد ایجاد شورا و یا به عبارتی تشکل شورایی موجود است: این بحث خود به خود دارای دو مشکل اساسی است و نخواهد توانست تشکل مستقل امروز طبقه کارگر باشد. مشکل اول هیچگونه همخوانی و همسویی و تطابق تئوریک با مقوله کلاسیکی شورا ندارد. مشکل دوم گذاشتن شورا در جایگاه تشکلات صنفی است.

از نظر تجربه و تئوری هر دو، شورا ابزاری است برای تسخیر قدرت کارگری. در شرایط اعتلای انقلابی، در شرایطی که بورژوازی قدرت و توانایی حفظ سیستم خود را از دست داده است، در شرایطی که طبقه کارگر آمادگی کنترل بر تولید و توزیع را دارد شوراها به وجود می‌آیند. وظایف شوراها هم تسخیر قدرتی است که سمت و سویش به سوسیالیسم میباشد. تقلیل وظایف شوراها نه تنها راه حل مناسبی نیست بلکه سایر تشکلات صنفی کارگری مانند اتحادیه و سندیکا را زیر سوال میبرد.

بحث دیگری که در میان فعالین داخل کشور هست: مجمع عمومی است. من نمیتوانم بفهمم که چنین بحثی چگونه به عنوان "تشکل مستقل" به درون طبقه راه یافته است. اما در هر صورت مجمع عمومی به هیچ وجه نمیتواند یک تشکل باشد. تشکل مستقل باید دارای شرایطی ویژه باشد که بشود در تمام رشته‌های تولید از آن استفاده کرد. در حالیکه مجمع عمومی یک کارخانه بر سر موضوعهای به صحبت خواهد نشست که ممکن است با رشته‌های دیگر از تولید هیچگونه همخوانی و سنخیتی نداشته باشد. برای نمونه یک کوره پزخانه که تعداد کارگرانش بیش از صد نفر نیستند، و آجر تولید میکند، با یک کارخانه‌ای که تعداد کارگرانش بیش از دو هزار نفر هستند و وسایل الکترونیکی (مثلاً جارو برقی و یخچال) تولید میکنند، چه وجه مشترکی با هم میتوانند داشته باشند تا در راستایی آن و بر مبنای نقاط مشترکشان به وحدت برسند و یا جا داشته باشد که در یکی از این دو تولیدی مجمع عمومی تشکیل داد تا از دیگری حمایت عملی کند. تشکلات دیگری مانند سندیکا و اتحادیه‌ها در ارگانهای بالاتری به توافق‌هایی خواهند رسید

و با فراخوان عمومی میتوانند از بخش‌های مختلف طبقه کارگر که درگیر با سرمایه‌داری است حمایت عملی به عمل آورند.

صحبت دیگری که هست: شیوه مبارزه علنی است. گویا و چنین برداشت میشود که عده‌ای از فعالین تنها شیوه‌ی از مبارزه را قبول دارند که به شیوه علنی مشهور است. یا به گفته دیگری مبارزه را خیابانی کردن. این شیوه هم دارای اشکالاتی است. اولاً علنی بودن به مفهوم این خواهد بود که کارگران آماده‌ی کتک خوردن، زندانی شدن و نهایتاً بیکار شدن هستند. داشتن چنین روحیه بالای در کارگران قابل ستایش است، اما این شجاعت روز بروز نیروی آنان را تضعیف تر خواهد نمود، زیرا در هر تظاهرات خیابانی کارگران مجبورند تلفاتی بدهند. چند نفر دستگیر و چند نفر فعال کارگری بیکار شوند. این شیوه‌ی مبارزه در حمایت از کارهای تشکیلاتی یک تشکل مستقل درستیش به اثبات رسیده است. اما به عنوان شیوه‌ای که برود برای ایجاد تشکل مستقل، فکر میکنم نه تنها سهولتی در راه ایجاد تشکل مستقل ایجاد نخواهد کرد بلکه بر عکس آن را به تأخیر خواهد انداخت. این به مفهوم آن نیست که ما تا تشکل مستقل نداشته باشیم اجازه کارهای علنی و خیابانی را نداریم.

شرایط موجود، که من به مراتب به آن اشاره کرده‌ام و این شرایط را از لابلای مصاحبه‌ها و نوشته‌های فعالین داخل کشور دریافت کرده‌ام، شرایطی است که کار مخفی و تشکل‌های مخفی را می‌طلبد. تشکل‌های مخفی در آثار کلاسیک جنبش کارگری هسته‌های سرخ و کمیته‌های مخفی کارگری هستند.

چنین تشکلی، (به شرطیکه مستقل باشد و زیر نفوذ هیچ تشکل دیگری نباشد) سنجیده و گام به گام با تحلیل مشخص از وضعیت موجود، درجه آگاهی کارگران، شناخت خواسته‌های کارگران، به امر تشکل دیگری کمک خواهد نمود. چنین تشکلی میتواند اعتماد کارگران را جلب کند تا شعار (پیش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری) و (پیش برای اعتصاب عمومی) و همچنین حمایت از مبارزات علنی را به میان کارگران برده و عمومیت ببخشد.

مسئله دیگری که مورد نظر من در آن نوشته بود اینست: باز با توجه به وضعیت موجود، امکان ایجاد تشکل‌های مستقل بسیار کم و محدود است. هر گونه حرکت علنی بلا فاصله سرکوب شدید میشود. شرایط به گونه‌ای است که بخش‌های مختلف کارگری کمتر از همدیگر حمایت می‌کنند. فشارهای اقتصادی بر خانواده‌های فقیر به درجه‌ای است که وحشت از بیکار شدن مانع شرکت فعالانه کارگران در حرکت‌های کارگری است. پس این شرایط حکم می‌کنند تا کارگران به شیوه دیگری بورژوازی را به زانو در آورند. این شیوه توسط تشکل‌ها مخفی که در کف کارخانه‌ها به وجود خواهند آمد، به پیش میرود.

تاکتیک‌های ویژه برای شرایط ویژه، کم کاری، از کار انداختن ماشین‌الات، دادن رهنمود برای شکایتهای مکرر به مقامات دولتی، نوشتن نامه‌های سرگشاده برای اشخاص در سطح بین‌الملل، تشویق کارگران به حمایت از اعتصابها در رشته‌های مختلف و دور از هم، تشویق کارگران برای عضویت در تشکل‌های مستقل علنی (اگر به وجود بیاید)، تبلیغ اعتصاب عمومی و سرتاسری کار تشکل‌های مخفی و یا هسته‌های سرخ کارگری است.

در پایان؛ تنوع ابزارهای مبارزاتی و تجارب فراوان، این امکان را فراهم نموده است که کارگران به سهولت بتوانند، امر مبارزه را تسریع و گسترش دهند. اما هر چی مبارزه رشد کند و بیشتر به جلو برود، بورژوازی و سیستم ضد کارگری نیز هارتر شده و ابزارهای سرکوب را نیز تنوع خواهند بخشید. بازداشت فعالین کارگری، ضرب و شتم کارگران در خیابان، حکم به اخراج و بیکار کردن آنان از جمله عوامل و ابزارهای پیش پا افتاده بورژوازی است. در نتیجه برای خنثی کردن ضربه‌های که بورژوازی می‌خواهد بزند و بالا بردن درجه وحدت طبقه کارگر کار مخفی و تشکیل تشکلات مخفی ضرورتش در درجه اول قرار گرفته و بسیار حیاتی است.